

شهر و دیوارهای نامطمئنش

یک عاشقانه مرموز از هاروکی موراکامی

«شهر و دیوارهای نامطمئنش» یکی دیگر از داستان های هاروکی موراکامی، نویسنده نام آشنای ژاپنی، به تازگی به وسیله نشر نیماژ منتشر شده است. مجموعه داستانی که به رغم اینکه زمان کوتاهی از انتشار جهانی اش می‌گذرد، بسیار مورد توجه واقع شده است. نشر نیماژ در توضیح این کتاب نوشته است شهر و دیوارهای نامطمئنش داستانی عاشقانه است درباره جست وجو؛ قصیده‌ای است در بزرگداشت کتاب‌ها و کتابخانه‌هایی که این گنجینه‌ها را در خود جای داده‌اند، و تمثیلی است برای این روزگار غریب. داستان در مرز خیال و واقعیت روایت می‌شود و میان شهر محصور، میان دیوارها و دنیایی که می‌شناسیم یا تصور می‌کنیم می‌شناسیم، رفت و برگشت دارد.

پسر و دختری نوجوان عاشق هم می‌شوند. دختر به او می‌گوید خود واقعی‌اش جای دیگری است. شهری محصور میان دیوارها که تک شاخ‌ها در آن جولان می‌دهند و کتابخانه‌ها به جای کتاب رویاهای باستانی دارند و فناوری در آن جایی ندارد.

دختر ناگهان و به شکلی مرموز ناپدید می‌شود؛ مرد، در جست‌وجوی او، در میان سالی به

شهر و میان دیوارها می‌رسد، و دختر را می‌یابد که هنوز همان سن دیدار اولشان را دارد. همه چیز ظاهراً مطابق گفته‌های دختر است؛ اما پشت این نقاب دل فریب، ماجرابی است شوم خفته، چه کسی حاضر است برای حضور در رؤیایی متجسم، سایه‌اش را رها کند؟ این کتاب در ۵۵۲ صفحه و با قیمت ۵۴۰ هزار تومان روانه بازار شده است.

فرضیه فراگیر فراموشی

روایت ۳۰ سال حبس درون یک آپارتمان

نشر نیلوفر «فرضیه فراگیر فراموشی» نوشته ژوزه ادواردو آگوالوسا را با ترجمه مهدی غبرایی روانه بازار کرده است. ژوزه ادواردو آگوالوسا، نویسنده و روزنامه نگار انگولایی است که با وجود اینکه در زمینه‌های کشاورزی و جنگل‌داری تحصیل کرده، تاکنون بیش از ۲۵ جلد کتاب به چاپ رسانده است. تعدادی از آثار شاخص همچون «فرضیه فراگیر فراموشی»، «آفتاب پرست‌ها و «خواب‌یدگان بی‌اختیار» به فارسی نیز ترجمه شده‌اند که از میان آن‌ها فرضیه فراگیر فراموشی توانسته جایزه معتبر و بین‌المللی ادبیات دالین را برای آگوالوسا به‌رمغان بیاورد. آثار او تاکنون به بیش از ۲۵ پنج زبان ترجمه شده‌اند.

فرضیه فراگیر فراموشی داستان «لودو»، زنی پرتغالی مبتلا به آگورافوبیا (نوعی اختلال اضطرابی) است که به همراه خواهر و شوهرخواهر خود زندگی می‌کند. هنگامی که شوهرخواهر لودو برای انجام مأموریتی کاری به آنگولا اعزام می‌شود، لودو چاره‌ای ندارد که خواهر و شوهرخواهرش را در این سفر همراهی کند. این سفر با آغاز جنبش استقلال انگولا در سال ۱۹۷۵ هم‌زمان است. در نتیجه آشوب‌ها و اتفاقاتی که پیرنگ داستان را شکل می‌دهند، لودو به مدت سی سال خود را درون یک آپارتمان محبوس می‌کند و در این مدت برای بقا با خود و محیط پیرامونش می‌جنگد.

آگوالوسا در این اثر با چیره‌دستی، تکه‌های از هم‌گسیخته داستان را هم‌زمان با پیشرود روایت به هم نزدیک کرده و در نهایت ساختاری منسجم و گیرا خلق می‌کند که باعث

بهت و شگفتی خواننده اثر می‌شود. درون‌مایه این اثر را فراموشی تشکیل می‌دهد. شخصیت‌های این رمان همگی دچار فراموشی شده‌اند. فراموشی آرمان‌های استقلال، فراموشی آرمان‌های سوسیالیسم و فراموشی انسانیت.

این اثر در ۱۷۶ صفحه و با قیمت ۱۸۵ هزار تومان عرضه شده است.

همچون دو قطره آب

برای عاشقان شعر و ترجمه

نشر نیلوفر همچنین «همچون دو قطره آب» را که تأملاتی درباره شعر است با ترجمه جواد فرید منتشر کرده است. اکثر مترجمان و ترجمه‌پژوهان بر این باورند که ترجمه شعر اگر ناممکن نباشد، کاری بسیار دشوار است. در این کتاب، مؤلف در پی یافتن و نمایاندن دشواری‌های ترجمه شعر است. فصل‌های کتاب بسیار متنوع و گسترده‌اند. کتاب از تاریخچه ترجمه ادبی در فرانسه شروع و با گذر از پیشینه ترجمه شعر در ایران و ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری شعر، بر روی برگردان‌های احمد شاملو و بیژن الهی از اشعار بل‌الوار متمرکز می‌شود و شیوه ترجمه این دو شاعر- مترجم را با روش‌های ریخت‌شکناhte آنتوان برمان می‌سنجد. نقد ترجمه شعری از آندره بروتون براساس آرای نظری امبرتو اکو، فصل دیگری از کتاب را تشکیل می‌دهد. در کتاب جایه جا برگردان اشعاری از ویکتور هوگو، گیوم آیولینر، ژان کوکتو، ژاک پره ور، لویی آراگون، بل‌الوار، آندره بروتون وایو بنوفوا به قلم مؤلف همراه با اصل اشعار ارائه شده است. در کل کتاب، مؤلف به جای پرداختن به مفاهیم انتزاعی تعریف و تفسیر شعر یا ترجمه آن، کوشیده است از ورای مطالب و تأملات ارائه شده، دریچه‌ای بر ترجمه‌ای پذیرفتنی از شعر، به ویژه شعر معاصر و مدرن فرانسه بگشاید، زیرا در نهایت براین باور است که ترجمه شعر هم چون

سرودن شعر، دستوربردار نیست. ترجمه شعر مانند هر ترجمه دیگری، آمیزه‌ای از دانش، فن و هنر است؛ گوه‌رهایی که مترجم باید دارا باشد یا در طول سال‌ها فعالیت ترجمانی به آن‌ها دست یابد.

این کتاب در ۳۷۸ صفحه و با قیمت ۳۸۵ هزار تومان منتشر شده است.

شهر و دیوارهای نامطمئنش

۵شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۳ ۵ جمادی‌اول ۱۴۴۴ شماره ۲۲۲

فرهنگ و ادبیات

درباره کتاب «از شفاهی تا کتبی» از کومیکو یاماموتو

که به تحقیق درباره تأثیر داستان های شفاهی بر شاهنامه پرداخته است

حماسه ملی ایرانیان از نگاه یک ژاپنی

رادمنش

از بزرگ‌ترین پرسش‌های معطوف به شاهنامه فردوسی، کشف منابع پیشینی آن است؛ منابعی که ابوالقاسم فردوسی از آن‌ها بهره‌برده تا کاخ بلند خود را برپا دارد.

بدیهی است که چنین اثری نمی‌تواند از خلأ و بی‌پشتوانه به وجود آید. به برخی از منابع مورد استفاده فردوسی اشاره شده که شاهنامه‌منثور ابومنصوری مهم‌ترین آن‌هاست.

در هر حال گویا دست یافتن به نام تمام منابع مورد استفاده حکیم توس ممکن و مقدور نیست. علاوه بر منابع مکتوب، برخی شاهنامه‌پژوهان بر این باورند که فردوسی در پرداختن حماسه خود از داستان‌های شفاهی هم استفاده کرده است.

قطب علمی فردوسی و شاهنامه با همکاری انتشارات سخن به تازگی کتابی منتشر کرده است که تحقیقی است درباره منابع شفاهی شاهنامه. «از شفاهی تا کتبی: زمینه شفاهی حماسه‌های ایرانی؛ داستان‌گویی و شاعری» اثر دکتر کومیکو یاماموتو، محقق ژاپنی، دغدغه اصلی این اثر این است که نشان دهد فردوسی برای خلق شاهنامه علاوه بر منابع مکتوب از داستان‌های شفاهی هم استفاده کرده است.

یاماموتو تحقیقش را براساس سه چاپ از شاهنامه به انجام رسانده است. چاپ ژول مول در قرن نوزدهم، چاپ برتلس (مسکو) و چاپ جدید جلال خالقی مطلق (که در زمان انتشار کتاب پنج جلدان منتشر شده بوده است).

او علاوه بر تحقیقات گسترده کتابخانه‌ای و جست‌وجوی منابع مختلف در زبان‌های مختلف، حتی برای درک بهتر سنت شفاهی نقالی به ایران آمده و با مرشد ولی... تراپی دیدار داشته و پای نقالی او نشسته است. خود در این باره چنین می‌گوید،

«مرشد تراپی از نقالان برجسته ایران است و در کتاب حاضر از نقل‌های او بهره‌ها گرفته‌ام. ایشان به من که زنی خارجی یعنی نسبت به نقالی دو برابر بیگانه هستم، اجازه داد مجالس نقالی او را در قهوه‌خانه‌ای در تهران بشنوم و کمک کرد تا پاسخ برخی از سؤال‌هایم را در بیان تجسم می‌بخشید. دریابم، بدون باری‌های بی‌حد و حصر این افراد نمی‌توانستم این کتاب را بنویسم.»

حس غرور از کار یک غیرایرانی برای شاهنامه دکتر محمود حسن‌آبادی، مترجم اثر نیز در پیشگفتارش برکتاب درباره اینکه چرا این اثر را برای ترجمه انتخاب کرده، نوشته است: «سال‌هاست که هر وقت کتاب یا مقالاتی از غیرایرانیان در باب فردوسی و شاهنامه می‌بینم، بر سر شوق و ذوق می‌آیم و نوعی غرور وجودم را فرامی‌گیرد؛ میلی فراوان تسخیرم می‌کند تا هر چه زودتر آن نوشته را بخوانم؛ و پس از خواندن در صورتی که کار، کاری قوی و ارجمند باشد، حس‌سیاس‌داری و امتنان از نویسنده آن نوشته در دلم جای می‌گیرد. کار کمی نیست، یک غیرایرانی بنشیند و وقت صرف کند و درباره آن شخصیتی که به او دل بسته‌ای، و آن شاهکاری که شیفته‌اش هستی، مطلبی بنویسد و او را به جهان و جهانیان بیشتر و بهتر بشناساند. [...] از این کتاب چیزهایی شنیده و یکی دو مقاله در نقد و معرفی آن خوانده‌بودم، اما نخستین بار در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷)، آن را به دست آوردم. خیلی زود خواندم و مقاله‌ای در نقد و معرفی آن به انگلیسی نوشتم و چندی بعد در مقاله‌ای به فارسی، ضمن معرفی مبسوطی از کتاب، در باب مسئله منابع فردوسی بحثی کردم و نظر خود را اظهار داشتم. از همان هنگام فکر ترجمه این کتاب در ذهنم بود و با وجود گرفتاری‌های بسیار، اندک‌اندک کار ترجمه را پیش بردم و به پایان رساندم.»

اما حرف و دغدغه اصلی این کتاب همان است که نویسنده در مقدمه کتاب آورده است:

«نویسنده در تحقیق حاضر به بررسی سنت شفاهی در پیدایش شاهنامه ابوالقاسم فردوسی (شاهنامه؛ حدود ۱۰۰۰م/۴۰۰ه) می‌پردازد [...] برای درک و شناخت آنچه همچون میراث به فردوسی رسید و آنچه او خود پدید آورد، درک فرایند حاصل از نقش‌آفرینی و تعامل سنت‌های مکتوب و شفاهی در انتقال حماسه ملی ضروری است. تاکنون سنت مکتوب شاهنامه به‌گونه‌ای گسترده بررسی و تحقیق شده است، اما سنت شفاهی عملاً ناشناخته باقی‌مانده است. بنابراین، نویسنده در تحقیق حاضر بر نقش سنت شفاهی در محیطی عمدتاً

تثودور نولدکه که پژوهش او درباره شاهنامه فردوسی همچنان به عنوان تحقیقی کلاسیک و معتبر تلقی می‌شود، در نظریه مول‌تشکیک و تردید کرد. او بر آن بود که فردوسی تنها از منابع مکتوب بهره‌جسته است، درمیان این منابع مکتوب، یک اثر منثور فارسی که ظاهراً به خداینامگ بازمی‌گشت، مهم‌ترین منبع وی بود؛ ارجاع‌ها و اشاره‌های فردوسی به روایت‌های شفاهی را طرف‌ا باید امری بلاغی دانست. [...]»

قصد ما این نیست که استدلال کنیم و بگوییم شاهنامه فردوسی حماسه‌ای شفاهی است، بلکه تحقیق حاضر بر این فرض بنیان نهاده شده که شاهنامه فردوسی یک حماسه مکتوب و ادبی است. شاهنامه فردوسی در طرح کلی خود با سایر آثار (موجود) عربی و فارسی یکسان است. [...]»

بدیهی است که شاهنامه فردوسی هم دارای ویژگی‌های نوشتاری است و هم ویژگی‌های شفاهی را در آن می‌توان یافت و هر تلاشی برای تقلیل آن به یکی از این دو سنت، احتمالاً با شکست مواجه خواهد شد. از این رونویسنده حاضر باین فرض مسلم که شاهنامه فردوسی حماسه‌ای است مکتوب، در پی بررسی این مطلب است که در شاهنامه فردوسی و حماسه‌های متأخر تا چه اندازه می‌توان عناصری را یافت که معمولاً با سنت شفاهی مرتبط هستند.»

این اثر غیر از مقدمات و ضمیمه، ۵ بخش اصلی دارد نویسنده در فصل اول مشکلات روش شناختی سنت شفاهی با توجه ویژه به شاهنامه فردوسی و ریشه‌های آن را مطرح کرده است. در فصل دوم به بررسی نقالی به عنوان یک نمونه از سنت‌های روایی شفاهی ایرانی، با نگاهی به تعریف «الگوی اجرای شفاهی» می‌پردازد و در آن مجموعه‌ای از معیارها را برای نشان دادن احتمال تأثیر سنت شفاهی بر متن مکتوب می‌کند. در فصل سوم، قبل از به کار بستن الگوی اجرای شفاهی بر شاهنامه فردوسی، با فراهم آوردن برخی شواهد بیرونی و درونی از شاهنامه و براساس آن‌ها، به امکان تأثیر غیرمستقیم سنت شفاهی بر شاهنامه



نبرد اسفندیار با اسپیهر در هفت خوان سال ۱۶۹۵ میلادی در هند

می‌پردازد. در فصل چهارم، الگوی اجرای شفاهی را بر یکی از داستان‌های شاهنامه فردوسی به کار می‌بندد، و در فصل پنجم مفاهیم فصل قبل را مطرح می‌کند. وی استدلال می‌کند که اگر بتوان نشان داد که شاهنامه فردوسی تحت تأثیر سنت شفاهی قرار گرفته است، پس این سؤال مطرح می‌شود که چینی عواملی تا چه حد بر حماسه‌های متأخر تأثیر گذاشته‌اند؟

پژوهشی منصفانه

دکتر محمد جعفر یاحقی، مدیر قطب علمی فردوسی و شاهنامه، در مطلبی با عنوان «پژوهشی منصفانه درباره شاهنامه» در ابتدای این اثر نوشته است: «در گذشته با هیچ‌کس نمی‌پرسید که شاهنامه مأخذ مکتوبی داشته یا اساساً فردوسی داستان‌های شفاهی را به نظم درآورده است. ظاهراً برای اولین بار ژول مول اعلام کرد که مبنای نظم شاهنامه داستان‌های شفاهی بوده است. نولدکه برعکس اعتقاد داشت شاهنامه از روی منابع مکتوب به نظم درآمده است. بعدها اغلب شاهنامه‌شناسان نظر نولدکه را پیش چشم داشتند و تقریباً آن را امری مسلم تلقی کردند تا اینکه این اواخر یعنی چندین دهه پیش‌تر خانم الگادوییدسن، شاهنامه‌شناس آمریکایی، الگوی گزاره‌های قالبی میلمن پری و آلبرت لرد را که براساس مطالعه در حماسه‌های اقوام اولیه پدید آمده بود، پیش کشید و بحث از منابع شاهنامه را تازه کرد. نظر خانم دیویدسن باواکنش تند شاهنامه‌شناسان ایرانی روبه‌رو شد و مقالات متعددی در رد این نظر، ابتدا در نشریات خارج از کشور و بعدها در مطبوعات داخلی منتشر شد. کتاب حاضر به قلم خانم یاماموتو که بر پایه رساله دکتری وی در دانشگاه لندن نوشته شده است، در گرماگرم این بحث‌ها در سال ۲۰۰۰ پدید آمد. پژوهشگر این کتاب با کوشش و پیگیری مجدانه و محقانه‌ای این مطلب را بی‌گرفت و با مطالعه‌ای همه‌جانبه موضوع را بر پایه اسناد درون و بیرون متنی دنبال کرد و در نهایت به نظریه‌ای میانه رسید به این ترتیب که “شاهنامه حماسه‌ای است مکتوب، اما ظاهراً به‌گونه‌ای غیرمستقیم از سنت شفاهی نیز تأثیر پذیرفته است.”»

محمد جعفر یاحقی، از ۵۰ سال تجربه آموزش زبان و ادبیات فارسی در جهان گفت

زبان فارسی می‌تواند دریچه ارتباط ما با دنیا باشد



از لحاظ عقیدتی نگران‌اند. بنیادگرایی اسلامی متأسفانه در آنجا کمی تند است. به همین خاطر کمی می‌ترسند و فکر می‌کنند سر این بنیادگرایی در ایران است. این بود که ترسیدند و ریختند شبانه همه تابلوها برداشتند و یک کلمه خط فارسی باقی نگذاشتند و کتاب‌های فارسی را جمع کردند و چند کتاب فروشی ایرانی که آنجا بود را هم بستند. باید مدارا کنیم تا کم‌کم خط فارسی را فرا بگیرند. سازمان یافته رسمی و دولتی نمی‌شود این کار را کرد. راه مستقیم و سازمان‌یافته نیست. دارند خودشان به مرور به این سمت می‌آیند.

ببیندازند تا یکپارچه نباشند. سال‌های اول فروپاشی، این اهتمام صورت گرفت. سفیر وقت ما، دکتر شبستری، سفیر عاقلی بود، زمینه را برای تغییر خط فراهم کرد. چاپخانه فارسی به آنجا بردند و کتاب‌های دبستان و آموزشی را به خط فارسی چاپ کردند. دستور دادند به هزینه سفارت ایران نوشته‌های تابلوهای مغازه‌ها که به خط سیریلیک بود به خط خوش نستعلیق هم زیر آن بنویسند. مثلاً وقتی به خیابان رودکی در پایتخت تاجیکستان می‌رفتید خط فارسی را همه جامی دیدید. یک دفعه متوجه شدند این خیلی برایشان خطرناک است که خط فارسی بیاید آنجا. به خصوص

● **باز جوه نمی‌شود فرهنگ را منتقل کرد**

از کشورهای مختلف برای آموزش زبان فارسی به قطب علمی دانشگاه فردوسی می‌آمدند. مایچه‌ها رانه فقط در کلاس، که آن‌ها رابه جاهای تفریحی هم می‌بردیم. آموزش فقط سرکلاس اتفاق نمی‌افتد. ارتباطات بیشتر بیرون از کلاس رسمی شکل می‌گیرد. ارتباطات است که معنی فرهنگی دارد و اخلاق و خلق و خوی ما را منتقل می‌کند. با کتاب و جزوه نمی‌شود این‌ها را منتقل کرد. آموزش رفتاری مهم است.

● **خط فارسی در تاجیکستان جنبه سیاسی پیدا کرده است**

خط فارسی الان در تاجیکستان یک امر سیاسی شده و خیلی نمی‌شود با آن بازی کرد. علتش هم این است که آن‌ها تصور می‌کنند که خط فارسی دریچه نفوذ و حضور ایران در فرهنگ و سیاست آن‌هاست. آن‌ها این حضور را نامطلوب می‌پندارند. فکر می‌کنند تاجیکستان می‌شود قلمرو ایران. هم خودشان می‌ترسند و هم روس‌ها نمی‌گذارند.

البته روس‌ها از اول هم سیاستشان این بوده که بین کشورهای فارسی‌زبان تفرقه بیاورند. به عقبت آن را پیش ببرید.

● **اولین تجربه آموزاندن من دیکته گفتن بود**

من همیشه در مسیر آموختن بوده‌ام؛ هم فرا می‌گرفتم و دانش آموزی می‌کردم و می‌کنم و هم می‌آموزندم. اولین خاطره‌ای که از کار آموزاندن دارم به دوران دبیرستان برمی‌گردد. در این دوران کمی درس‌های من بهتر از بعضی‌ها بود. بنابراین هروقت در کلاسی از کلاس‌های پایین‌تر معلمی نداشتم به من می‌گفتند برو برایشان دیکته بگو یا انشاء شان را تصحیح کن... اولین تجربیاتم دیکته گفتن بود و فکر می‌کردم دارم کار مهمی می‌کنم.

تجربه‌های جدی‌تر من در دانشگاه و در دوران دانشجویی رقم خورد. حدود سال ۱۳۴۶ هم کلاسی‌ای داشتم از تانزانیا که خیلی علاقه مند بود و در واقع با او حدود چهار سال زبان فارسی کار کردم.

با عشق و اعتقاد پیش رفته‌ام

شمس تبریزی جمله‌ای دارد که می‌گوید: «اعتقاد و عشق دلیر کند و همه ترس‌ها می‌برد...» این جمله سرلوحه کار من بوده است. به چیزی اعتقاد داشته باشید و با عشق آن را پیش ببرید.